

بسمه تعالی

# جزوه احکام

جهت آزمون مرحله شهرستان

مسابقات فرهنگی هنری

پایه نهم متوسطه اول

پسران

مدیریت آموزش و پرورش چرداول

معاونت پرورشی و تربیت بدنی

کارشناس قرآن و عترت

۱۵ آب یا مطلق است یا مضاف: آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرند، مثل آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد، مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند. و غیر اینها آب مطلق است و آن بر پنج قسم است: اول: آب کر. دوم: آب قلیل. سوم: آب جاری. چهارم: آب باران. پنجم: آب چاه

آب کر

۱۶ آب کر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه وجب و نیم است بریزند آن ظرف را پر کند، و وزن آن از من تبریز مثقال کمتر است، و به حسب کیلوی متعارف بنا بر اقرب ۴۱۹ / ۳۷۷ کیلوگرم می‌شود.

۱۷ اگر عین نجس مانند بول و خون به آب کر برسد، چنانچه به واسطه آن بویا رنگ و یا مزه آب تغییر کند آب نجس می‌شود، و اگر تغییر نکند، نجس نمی‌شود.

۱۸ اگر بوی آب کر به واسطه غیر نجاست تغییر کند، نجس نمی‌شود.

۱۹ اگر عین نجس مانند خون به آبی که بیشتر از کر است برسد و بو یا رنگ یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده کمتر از کر باشد، تمام آب نجس می‌شود. و اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد، فقط مقداری که بو یا مزه یا رنگ آن تغییر کرده نجس است.

۲۰ آب فواره اگر متصل به کر باشد آب نجس را پاک می‌کند در صورتی که مخلوط با آن شود. ولی اگر قطره قطره روی آن آب نجس بریزد آن را پاک نمی‌کند، مگر آنکه چیزی روی فواره بگیرند تا آب آن قبل از قطره قطره شدن، به آب نجس متصل شود و با آن مخلوط گردد.

۲۱ اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند آبی که از آن چیز می‌ریزد اگر متصل به کر باشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است

۲۲ اگر مقداری از آب کر یخ ببندد و باقی آن بقدر کر نباشد چنانچه نجاست به آن برسد نجس می‌شود، و هر قدر از یخ هم آب شود نجس است.

۲۳ آبی که به اندازه کر بوده، اگر انسان شک کند از کر کمتر شده یا نه مثل آب کر است، یعنی نجاست را پاک می‌کند و اگر نجاستی هم به آن برسد نجس نمی‌شود. و آبی که کمتر از کر بوده و انسان شک دارد به مقدار کر شده یا نه حکم آب کر ندارد.

۲۴ کر بودن آب به دو راه ثابت می‌شود: اول: آن که خود انسان یقین کند. دوم: آن که دو مرد عادل خبر دهند.

### - آب قلیل

۲۵ آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد.

۲۶ اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد نجس می‌شود، ولی اگر از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد مقداری که به آن چیز می‌رسد نجس، و هر چه بالاتر از آن است پاک می‌باشد، و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود در صورتی که نجاست به بالا برسد پایین نجس نمی‌شود و اگر نجاست به پایین برسد بالا نجس می‌شود.

۲۷ آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد، نجس است، و همچنین بنا بر اقوی باید از آب قلیلی هم که بعد از برطرف شدن عین نجاست، برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می‌ریزند و از آن جدا می‌شود، اجتناب کنند. ولی آبی که با آن مخرج بول و غائط را می‌شویند با پنج شرط پاک است: اول: آن که بو یا رنگ یا

مزه نجاست نگرفته باشد. دوم : نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد. سوم : نجاست دیگری مثل خون، یا بول یا غائط بیرون نیامده باشد. چهارم : ذره‌های غائط در آب پیدا نباشد. پنجم : بیشتر از مقدار معمول ، نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

## -آب جاری

۲۸ آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد مانند آب چشمه و قنات.

۲۹ آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن بواسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

۳۰ اگر نجاستی به آب جاری برسد مقداری از آن که بو یا رنگ یا مزه‌اش بواسطه نجاست تغییر کرده نجس است و طرفی که متصل به چشمه است اگر چه کمتر از کر باشد پاک است. و آبهای دیگر نهر اگر به اندازه کر باشد یا بواسطه آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد، پاک و گر نه نجس است.

۳۱ آب چشمه‌ای که جاری نیست ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می‌جوشد حکم آب جاری دارد. یعنی اگر نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن بواسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

۳۲ آبی که کنار نهر ایستاده و متصل به آب جاری است حکم آب جاری دارد.

۳۳ چشمه‌ای که مثلاً در زمستان می‌جوشد و در تابستان از جوشش می‌افتد فقط وقتی که می‌جوشد حکم آب جاری دارد.

۳۴ آب حوض حمام اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه به خزینه‌ای که آب آن به اندازه کر است متصل باشد مثل آب جاری است.

۳۵ آب لوله‌های حمام که از شیرها و دوشها می‌ریزد اگر متصل به کر باشد مثل آب جاری است و آب لوله‌های عمارات اگر متصل به کر باشد در حکم آب کر است.

۳۶ آبی که روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی‌جوشد، چنانچه کمتر از کر باشد و نجاست به آن برسد نجس می‌شود اما اگر از بالا با فشار به پایین بریزد، چنانچه نجاست به پایین آن برسد بالای آن نجس نمی‌شود.

## -آب باران

۳۷ اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه باران ببارد جایی که باران به آن برسد پاک می‌شود. و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست ولی باریدن دو سه قطره فایده ندارد، بلکه باید طوری باشد که بگویند باران می‌آید.

۳۸ اگر باران به عین نجس ببارد و به جای دیگر ترشح کند، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است. پس اگر باران بر خون ببارد و ترشح کند، چنانچه ذره‌ای خون در آن باشد یا آن که بو یا رنگ یا مزه خون گرفته باشد نجس است.

۳۹ اگر بر سقف عمارت یا روی بام آن عین نجاست باشد، تا وقتی باران به بام می‌بارد آبی که به چیز نجس رسیده و از سقف یا ناودان می‌ریزد پاک است. و بعد از قطع شدن باران اگر معلوم باشد آبی که می‌ریزد به چیز نجس رسیده است، نجس می‌باشد.

۴۰ زمین نجسی که باران بر آن ببارد پاک می‌شود. و اگر باران بر زمین جاری شود و به جای نجسی که زیر سقف است برسد، آن را نیز پاک می‌کند.

۴۱ خاک نجسی که به واسطه باران گل شود و آب آن را فرا گیرد پاک است. اما اگر فقط رطوبت به آن برسد پاک نمی‌شود.

۴۲ هرگاه آب باران در جایی جمع شود اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه موقعی که باران می‌آید چیز نجسی را در آن بشویند و آب بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد، آن چیز نجس پاک می‌شود.

۴۳ اگر بر فرش پاکی که روی زمین نجس است باران ببارد، و بر زمین نجس جاری شود، فرش نجس نمی‌شود و زمین هم پاک می‌گردد.

## ۵- آب چاه

۴۴ آب چاهی که از زمین می‌جوشد اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است، ولی مستحب است پس از رسیدن بعضی از نجاستها مقداری که در کتابهای مفصل گفته شده از آب آن بکشند.

۴۵ اگر نجاستی در چاه بریزد و بو یا رنگ یا مزه آب آن را تغییر دهد، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود، موقعی پاک می‌شود که با آبی که از چاه می‌جوشد، مخلوط گردد.

۴۶ اگر آب باران یا آب دیگر، در گودالی جمع شود و کمتر از کر باشد، چنانچه بعد از قطع شدن باران نجاست به آن برسد، نجس می‌شود.

## احکام آبها

۴۷ آب مضاف که معنی آن گفته شد، چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

۴۸ اگر ذره‌ای نجاست به آب مضاف برسد نجس می‌شود. ولی چنانچه از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد، مقداری که به چیز نجس رسیده نجس، و مقداری که بالاتر از آن است پاک می‌باشد. مثلا اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند، آنچه به دست رسیده نجس و آنچه به دست نرسیده پاک است. و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا برود اگر نجاست به بالا برسد، پایین نجس نمی‌شود.

۴۹ اگر آب مضاف نجس طوری با آب کر یا جاری مخلوط شود که دیگر آب مضاف به آن نگویند، پاک می‌شود.

۵۰ آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه، مثل آب مطلق است، یعنی چیز نجس را پاک می‌کند، وضو و غسل هم با آن صحیح است. و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه مثل آب مضاف است، یعنی چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

۵۱ آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف، و معلوم نیست که قبلا مطلق یا مضاف بوده، نجاست را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است. ولی اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد حکم به نجس بودن آن نمی‌شود.

۵۲ آبی که عین نجاست مثل خون و بول به آن برسد و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر دهد، اگر چه کر یا جاری باشد، نجس می‌شود. ولی اگر بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاستی که بیرون آن است عوض شود، مثلا مرداری که پهلوی آب است بوی آن را تغییر دهد، نجس نمی‌شود.

۵۳ آبی که عین نجاست مثل خون و بول در آن ریخته و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر داده، چنانکه به کر یا جاری متصل شود، یا باران بر آن ببارد، یا باد باران را در آن بریزد، یا آب باران در موقع باریدن از ناودان در آن جاری شود و تغییر آن از بین برود، پاک می‌شود، ولی باید آب باران یا کر یا جاری با آن مخلوط گردد.

۵۴ اگر چیز نجس را در آب کر یا جاری فرو برند، و در چیزهایی که قابل فشار دادن است مانند فرش و لباس، طوری فشار، یا در داخل آب حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود، چنانچه از چیزهایی باشد که در دفعه اول پاک می‌شود، آبی که بعد از

بیرون آوردن، از آن می‌ریزد، پاک است و اگر از چیزهایی باشد که باید دو مرتبه آن را در آب فرو برند تا پاک شود، آبی که بعد از دفعه دوم از آن می‌ریزد، پاک می‌باشد.

۵۵ آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه پاک است. و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه، نجس است.

۵۶ نیم خورده سگ و خوک و کافر، نجس و خوردن آن حرام است. و نیم خورده حیوانات حرام گوشت پاک و خوردن آن مکروه می‌باشد.

## نجاسات

۸۳ نجاسات یازده چیز است: اول: بول. دوم: غائط. سوم منی. چهارم: مردار. پنجم: خون. ششم و هفتم: سگ و خوک. هشتم: کافر. نهم: شراب. دهم: فقاغ. یازدهم عرق شتر نجاست خوار.

## بول و غائط

۸۴ بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند، نجس است. ولی فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارد، پاک

۸۵ فضله پرندگان حرام گوشت، نجس است.

۸۶ بول و غائط حیوان نجاستخوار، نجس است. و همچنین است بول و غائط حیوانی که انسان آن را وطی کرده، یعنی با آن نزدیکی نموده، و گوسفندی که استخوان آن از خوردن شیر خوک، محکم شده است.

۹۴ دواجات روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از خارجه می‌آورند، اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد، پاک است.

۹۵ گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته شود پاک است، و همچنین است اگر یکی از اینها در دست مسلمان باشد. ولی اگر بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه، نجس می‌باشد..

## -خون

۹۶ خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند، نجس است. پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد، پاک می‌باشد.

۹۷ اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید، خونی که در بدنش می‌ماند، پاک است. ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده خون به بدن حیوان

## -سگ و خوک

۱۰۵ سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند، حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت‌های آنها نجس است، ولی سگ و خوک دریایی پاک است.

## کیفیت وضو گرفتن

۲۳۶ در وضو واجب است صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند.

۲۳۷ درازای صورت را باید از بالای پیشانی - جایی که موی سر بیرون می‌آید - تا آخر چانه شست، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد، باید شسته شود، و اگر مختصری از این مقدار نشوید، وضو باطل است. و برای آنکه یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده، باید کمی اطراف آن را هم بشوید.

۲۳۸ اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از معمول مردم باشد، باید ملاحظه کند که مردمان معمولی تا کجای صورت خود را می‌شویند، او هم تا همان جا را بشوید. و اگر دست و صورتش هر دو بر خلاف معمول باشد، ولی با هم متناسب باشند، لازم نیست ملاحظه معمول را بکند، بلکه به دستوری که در مساله پیش گفته شد، وضو بگیرد. و نیز اگر در پیشانی او مو روییده یا جلوی سرش مو ندارد، باید به اندازه معمول پیشانی را بشوید.

۲۳۹ اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه‌های چشم و لب او هست که نمی‌گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید پیش از وضو واریسی کند که اگر هست برطرف نماید.

۲۴۰ اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند، و اگر پیدا نباشد، شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.

۲۴۱ اگر شک کند که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، بنابر احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند.

۲۴۲ شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود واجب نیست، ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید. و کسی که نمی‌دانسته باید این مقدار را بشوید اگر نداند در وضوهای که گرفته این مقدار را شسته یا نه، نمازهایی که خوانده صحیح است.

۲۴۳ باید صورت را بنابر احتیاط واجب از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است و دستها را باید از مرفق به طرف سر انگشتان بشوید.

۲۴۴ اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست آب کمی در آنها جاری شود، کافی است.

۲۴۵ بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.

۲۴۶ برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

۲۴۷ کسی که پیش از شستن صورت دستهای خود را تا مچ شسته، در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید وضو او باطل است.

۲۴۸ در وضو شستن صورت و دستها مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می‌باشد. و اگر با یک مشت آب تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بریزد، یک مرتبه حساب می‌شود چه قصد بکند یک مرتبه را، یا قصد نکند.

۲۴۹ بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح نماید.

۲۵۰ یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است جای مسح می‌باشد، و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت

۲۵۱ لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کند یا فرق سر را باز کرده، پوست سر را مسح نماید، و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید یا بر موی جاهای دیگر سر که جلوی آن آمده مسح کند باطل است.

۲۵۲ بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سریکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند.

۲۵۳ پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است، ولی بهتر، بلکه احوط آن است که با تمام کف دست، روی پا را مسح کند.

۲۵۴ اگر در مسح پا همه دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد صحیح است.

۲۵۵ در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد، و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد، وضو باطل است. ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند، اشکال ندارد.

۲۵۶ جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است، ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می‌شود، بگویند فقط از تری کف دست است، اشکال ندارد.

۲۵۷ اگر برای مسح، رطوبت در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج، تر کند بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.

۲۵۸ اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، می‌تواند سر را با همان رطوبت مسح کند، و برای مسح پاها از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

۲۵۹ مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است، ولی اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد. و اگر روی کفش نجس باشد، باید چیز پاکي بر آن بیندازد و بر آن چیز مسح کند.

۲۶۰ اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد، باید تیمم نماید.

### شرایط وضو

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است: شرط اول: آنکه آب وضو پاک باشد. شرط دوم: آنکه مطلق باشد.

۲۶۵ وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است. اگر چه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را نداند یا فراموش کرده باشد. و اگر با آن وضو نمازی هم خوانده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند.

۲۶۶ اگر غیر از آب آلوده مضاف، آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز تنگ است، باید تیمم کند و اگر وقت دارد، باید صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد.

شرط سوم: آنکه آب وضو مباح باشد. و همچنین بنا بر احتیاط باید فضایی که در آن وضو می‌گیرد مباح باشد. اگر چه اباحه فضا لازم نیست.

۲۶۷ وضو با آب غصبی و بان آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه، حرام و باطل است ولی اگر سابقاً راضی بوده و انسان نمی‌داند که از رضایتش برگشته یا نه، وضو صحیح است و نیز اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غصبی بریزد، وضوی او صحیح است.

۲۶۸ وضو گرفتن از حوض مدرسه‌ای که انسان نمی‌داند آن حوض را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای محصلین همان مدرسه، در صورتی که معمولاً مردم از آب آن وضو بگیرند، اشکال ندارد.

۲۶۹ کسی که نمی‌خواهد در مسجدی نماز بخواند، اگر نداند حوض آن را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای کسانی که در آن جا نماز می‌خوانند، نمی‌تواند از حوض آن وضو بگیرد، ولی اگر معمولاً کسانی هم که نمی‌خواهند در آن جا نماز بخوانند از حوض آن وضو می‌گیرند، می‌تواند از حوض آن وضو بگیرد.

۲۷۰ وضو گرفتن از حوض تیمچه‌ها و مسافرخانه‌ها و مانند اینها برای کسانی که ساکن آن جاها نیستند، در صورتی صحیح است که معمولاً کسانی هم که ساکن آن جاها نیستند، با آب آنها وضو بگیرند.

۲۷۱ وضو گرفتن در نهرهای بزرگ اگر چه انسان نداند که صاحب آنها راضی است، اشکال ندارد. ولی اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند، احتیاط واجب آن است که با آب آنها وضو نگیرند.

۲۷۲ اگر فراموش کند آب غصبی است و با آن وضو بگیرد صحیح است.

شرط چهارم: آنکه ظرف آب وضو مباح باشد.

شرط پنجم: آنکه ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

۲۷۳ اگر آب وضو در ظرف غصبی است و غیر از آن آب دیگری ندارد باید تیمم کند و چنانچه با آن آب وضو بگیرد باطل است و اگر آب مباح دیگری دارد چنانچه در آن ظرف غصبی، وضوی ارتماسی بگیرد و یا با آن ظرف، آب به صورت و دستها بریزد وضویش باطل است ولی اگر با کف دست آب از آن ظرف بردارد و به صورت و دستها بریزد وضویش صحیح است اگر چه از جهت تصرف در ظرف غصبی فعل حرام، مرتکب شده است و وضوی او از ظرف طلا و نقره به احتیاط واجب مثل وضوی از ظرف غصبی است.

۲۷۴ اگر در حوضی که مثلاً یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است، وضو بگیرد صحیح است، ولی اگر وضوی او تصرف در غصب حساب شود، گناهکار است.

۲۷۵ اگر در صحن یکی از امامان یا امامزادگان که سابقاً قبرستان بوده، حوض یا نهری بسازند، چنانچه انسان نداند که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده‌اند، وضو گرفتن در آن حوض و نهر اشکال ندارد.

شرط ششم: آنکه اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد.

۲۷۶ اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، صحیح است.

۲۷۷ اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است. ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد، اولی آن است که اول آن را تطهیر کند، بعد وضو بگیرد.

۲۷۸ اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آن جا را آب کشیده یا نه، چنانچه در موقع وضو ملتفت پاک بودن و نجس بودن آن جا نبوده، وضو باطل است. و اگر می‌داند ملتفت بوده یا شک دارد که ملتفت بوده یا نه، وضو صحیح است. و در هر صورت جایی را که نجس بوده باید آب بکشد.

۲۷۹ اگر در صورت یا دستها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فرو برد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید بعد به دستوری که گفته شد وضوی ارتماسی بگیرد.

شرط هفتم: آنکه وقت برای وضو و نماز کافی باشد.



۲۸۰ هرگاه وقت به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند. ولی اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.

۲۸۱ کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند، اگر وضو بگیرد، صحیح است، چه برای آن نماز وضو بگیرد یا برای کار دیگر.

شرط هشتم: آنکه به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد باطل است.

۲۸۲ لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند، ولی باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو می‌گیرد، به طوری که اگر از او پرسند چه می‌کنی، بگوید وضو می‌گیرم.

شرط نهم: آنکه وضو را به ترتیبی که گفته شد به جا آورد، یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نمایید، و باید پای راست را پیش از پای چپ مسح کند. و اگر به این ترتیب وضو نگیرد، باطل است.

شرط دهم: آنکه کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد.

۲۸۳ اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می‌خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، مثلاً موقعی که می‌خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد، وضو صحیح است.

۲۸۴ اگر کارهای وضو را پشت سر هم بجا آورد، ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها رطوبت خشک شود، وضوی او صحیح است.

۲۸۵ راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد. پس اگر بعد از شستن صورت و دستها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.

شرط یازدهم: آنکه شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد. و اگر دیگری او را وضو دهد یا در رسانیدن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک نماید، وضو باطل است.

۲۸۶ کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد که او را وضو دهد. و چنانچه مزد هم بخواهد در صورتی که بتواند باید بدهد، ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر نمی‌تواند باید نایبش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد. و اگر این هم ممکن نیست، باید از دست او رطوبت بگیرند و با آن رطوبت سر و پای او را مسح کنند. و احتیاط واجب در صورت امکان ضم تیمم است.

۲۸۷ هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن کمک بگیرد.

شرط دوازدهم: آنکه استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

۲۸۸ کسی که می‌ترسد که اگر وضو بگیرد مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد، ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد ضرر داشته، وضویش صحیح است. اگر چه احتیاط مستحب آن است که با آن وضو، نماز نخواند و تیمم کند. و چنانچه با آن وضو نماز خوانده، دوباره آن را اعاده نماید.

۲۸۹ اگر رساندن آب به صورت و دستها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار وضو بگیرد.

۲۹۰ اگر می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

۲۹۱ اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد. ولی اگر ناخن را بگیرند، باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند. و نیز اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند.

۲۹۲ اگر در صورت و دستها و جلوی سر و روی پاها به واسطه سوختن یا چیز دیگر برآمدگی پیدا شود، شستن و مسح روی آن کافی است و چنانچه سوراخ شود رساندن آب به زیر پوست لازم نیست، بلکه اگر پوست یک قسمت آن کنده شود لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند. ولی چنانچه پوستی که کنده شده گاهی به بدن می‌چسبد و گاهی بلند می‌شود، باید آن را قطع کند یا آب را به زیر آن برساند.

۲۹۳ اگر انسان شک کند که به اعضای وضوی او چیزی چسبیده یا نه، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد مثل آنکه بعد از گل کاری شک کند گل بدست او چسبیده یا نه، باید وارسی کند یا به قدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده برطرف شده یا آب به زیر آن رسیده است.

۲۹۴ جایی را که باید شست و مسح کرد هر قدر چرک باشد اگر چرک آن مانع از رسیدن آب به بدن نباشد اشکال ندارد. و همچنین است اگر بعد از گچ کاری و مانند آن چیز سفیدی که جلوگیری از رسیدن آب به پوست نمی‌نماید بر دست بماند، ولی اگر شک کند که با بودن آنها آب به بدن می‌رسد یا نه، باید آنها را برطرف کند.

۲۹۵ اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضای وضو مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کند که در موقع وضو آب را به آنجا رسانده یا نه، وضوی او صحیح است. ولی اگر بداند که موقع وضو ملتفت آن مانع نبوده، باید دوباره وضو بگیرد.

۲۹۶ اگر در بعضی از اعضای وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می‌رسد و گاهی نمی‌رسد، و انسان بعد از وضو شک کند که آب زیر آن رسیده یا نه، چنانچه بداند موقع وضو ملتفت رسیدن آب به زیر آن نبوده، باید دوباره وضو بگیرد.

۲۹۷ اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است. ولی اگر بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب آن است که دوباره وضو بگیرد.

۲۹۸ اگر بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو بوده یا نه، وضو صحیح است.

### چیزهایی که وضو را باطل می‌کند

۳۲۳ هفت چیز وضو را باطل می‌کند: اول: بول. دوم: غائط. سوم: باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود. چهارم: خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود. ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی‌شود. پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی. ششم: استحاضه زنان، که بعداً گفته می‌شود. هفتم: کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت.

### احکام جنابت

۳۴۵ به دو چیز انسان جنب می‌شود: اول: جماع. دوم: بیرون آمدن منی، چه در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی‌شهوت، با اختیار باشد یا بی‌اختیار.

۳۴۶ اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده، آن رطوبت حکم منی دارد، و اگر هیچ یک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد، حکم منی ندارد. ولی در زن و مریض، لازم نیست آن آب با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد، در حکم منی است و لازم نیست بدن او سست شود.

۳۴۷ اگر از مردی که مریض نیست، آبی بیرون آید که یکی از سه نشانه‌ای را که در مساله پیش گفته شد داشته باشد و نداند نشانه‌های دیگری را داشته یا نه، چنانچه پیش از بیرون آمدن آن آب وضو نداشته، باید وضو بگیرد.

۳۴۸ مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول نکند، و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید، که نداند منی است یا رطوبت دیگر حکم منی دارد.

۳۴۹ اگر انسان جماع کند و به اندازه ختنه‌گاه یا بیشتر داخل شود، در زن باشد یا در مرد، در قبل باشد یا در دبر، بالغ باشند یا نابالغ اگر چه منی بیرون نیاید هر دو جنب می‌شوند.

۳۵۰ اگر شک کند که به مقدار ختنه‌گاه داخل شده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

۳۵۱ اگر نعوذ بالله حیوانی را وطی کند یعنی با او نزدیکی نماید و منی از او بیرون آید غسل تنها، کافی است. و اگر منی بیرون نیاید، چنانچه پیش از وطی وضو داشته باز هم غسل تنها کافی است، و اگر وضو نداشته، احتیاط واجب آن است که غسل کند، وضو هم بگیرد.

۳۵۲ اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید یا انسان شک کند که منی از او بیرون آمده یا نه غسل بر او واجب نیست.

۳۵۳ کسی که نمی‌تواند غسل کند ولی تیمم برایش ممکن است، بعد از داخل شدن وقت نماز، بدون جهت با عیال خود نزدیکی کند، اشکال دارد. ولی اگر برای لذت بردن یا ترس از برای خودش باشد اشکال ندارد.

۳۵۴ اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود او است و برای آن غسل نکرده، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد بعد از بیرون آمدن منی خوانده قضا کند، ولی نمازهایی را که احتمال می‌دهد بعد از بیرون آمدن آن منی خوانده، لازم نیست قضا نماید.

### چیزهایی که بر جنب حرام است

۳۵۵ پنج چیز بر جنب حرام است: اول: رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و اسامی مبارکه پیامبران و امامان علیهم‌السلام، به احتیاط واجب حکم اسم خدا را دارد. دوم: رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود. سوم: توقف شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد. و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند. چهارم: گذاشتن چیزی در مسجد. پنجم: خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است: اول: سوره سی و دوم قرآن (الم تنزیل) دوم: سوره چهل و یکم (حم سجده) سوم: سوره پنجاه و سوم (و النجم) چهارم: سوره نود و ششم (اقرا) و اگر یک حرف را به قصد یکی از این چهار سوره هم بخواند حرام است.

### غسل جنابت

۳۵۷ غسل جنابت به خودی خود مستحب است، و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می‌شود. ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده‌های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.

۳۵۸ لازم نیست در وقت غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب می‌کنم و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند، کافی است.

۳۵۹ اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده، غسل او صحیح است.

۳۶۰ غسل را چه واجب باشد و چه مستحب، به دو قسم می‌شود انجام داد ترتیبی و ارتماسی.

در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد:

## اول از موارد تیمم:

آنکه تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد.

۶۴۸ اگر انسان در آبادی باشد، باید برای تهیه آب وضو و غسل بقدری جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود. و اگر در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند است و یا به واسطه درخت و مانند آن، عبور در آن زمین مشکل است، باید در هر یک از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می‌کردند در جستجوی آب برود. و اگر زمین آن این طور نیست، باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر جستجو نماید.

۶۴۹ اگر بعضی از چهار طرف هموار و بعضی دیگر پست و بلند یا عبور در آن مشکل باشد، در طرفی که هموار است به اندازه پرتاب دو تیر و در طرفی که این طور نیست به اندازه پرتاب یک تیر جستجو کند.

۶۵۰ در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، در آن طرف جستجو لازم نیست.

۶۵۱ کسی که وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیه آب وقت دارد اگر یقین دارد در محلی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست در صورتی که مانعی نباشد و مشقت هم نداشته باشد باید برای تهیه آب برود و اگر گمان دارد آب هست رفتن به آن محل لازم نیست ولی اگر اطمینان داشته باشد بنا بر احتیاط واجب باید برای تهیه آب به آن محل برود.

۶۵۲ لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود، بلکه می‌تواند کسی را که به گفته او اطمینان دارد بفرستد. و در این صورت اگر یک نفر از طرف چند نفر برود، کافی است.

۶۵۳ اگر احتمال دهد که داخل بار سفر خود یا در منزل یا در قافله آب هست باید بقدری جستجو نماید که به نبودن آب یقین کند یا از پیدا کردن آن ناامید شود.

۶۵۴ اگر پیش از وقت نماز جستجو نماید و آب پیدا نکند و تا وقت نماز همان جا بماند، لازم نیست که دوباره در جستجوی آب برود.

۶۵۵ اگر بعد از داخل شدن وقت نماز جستجو کند و آب پیدا نکند و تا وقت نماز دیگر در همانجا بماند، جستجو لازم نیست.

۶۵۶ اگر از درنده بترسد یا جستجوی آب به قدری سخت باشد که نتواند تحمل کند یا وقت نماز به قدری تنگ باشد که هیچ نتواند جستجو کند، جستجو لازم نیست. ولی اگر بتواند مقداری جستجو کند، به همان مقدار جستجو لازم است. و اگر از دزد بر جان یا مال خودش بترسد، نباید در جستجوی آب برود. ولی اگر مالی که احتمال می‌دهد از بین برود، به حسب حال او قابل اعتنا نباشد و ترس دیگری هم نداشته باشد، جستجوی آب واجب است.

۶۵۷ اگر در جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود، معصیت کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است.

۶۵۸ کسی که یقین دارد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه دنبال آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می‌کرد آب پیدا می‌شد، نمازش باطل است.

۶۵۹ اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد در جایی که جستجو کرده آب بوده، نماز او صحیح است.

۶۶۰ اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند، نمی‌تواند وضو بگیرد، چنانچه بتواند بدون ضرر و مشقت وضوی خود را نگهدارد، نباید آن را باطل نماید. و همچنین است اگر بداند یا دو شاهد عادل خبر

دهند که تهیه آب برای او ممکن نیست. بلکه اگر احتمال صحیح عقلائی هم بدهد، احتیاط واجب آن است که وضوی خود را باطل نکند.

۶۶۱ اگر پیش از وقت نماز وضو داشته باشد و بداند یا احتمال عقلائی دهد یا دو شاهد عادل خبر دهند که اگر وضوی خود را باطل کند، تهیه آب برای او ممکن نیست، چنانچه بتواند بدون ضرر و مشقت وضوی خود را نگهدارد، احتیاط واجب آن است که آن را باطل نکند.

۶۶۲ کسی که فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب دارد، اگر بداند یا دو شاهد عادل خبر دهند که اگر آن را بریزد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه وقت نماز داخل شده باشد، ریختن آن حرام است. و احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آن را نریزد، بلکه خالی از قوت نیست. و هرگاه احتمال عقلائی هم بدهد که اگر آب را بریزد دیگر آب پیدا نمی‌کند، احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آب را نریزد.

۶۶۳ کسی که می‌داند یا دو شاهد عادل خبر دهد که آب پیدا نمی‌کند، اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضوی خود را باطل کند یا آبی که دارد بریزد، معصیت کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است. اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

### دوم از موارد تیمم

۶۶۴ اگر به واسطه پیری یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند. و همچنین است اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن به قدری مشقت داشته باشد که مردم تحمل آن را نکنند.

۶۶۵ اگر برای کشیدن آب از چاه دلو و ریسمان و مانند اینها لازم دارد و مجبور است بخرد یا کرایه نماید، اگر چه قیمت آن چند برابر معمول باشد، باید تهیه کند. و همچنین است اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند. ولی اگر تهیه آنها به قدری پول می‌خواهد که نسبت به حال او آن مقدار ضرر دارد، واجب نیست تهیه نماید.

۶۶۶ اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند، باید قرض نماید. ولی کسی که می‌داند یا گمان دارد که نمی‌تواند قرض خود را بدهد، واجب نیست قرض کند.

۶۶۷ اگر کندن چاه مشقت ندارد، به احتیاط واجب باید برای تهیه آب، چاه بکند.

۶۶۸ اگر کسی مقداری آب بی‌منت به او ببخشد، باید قبول کند.

### سوم از موارد تیمم

۶۶۹ اگر استعمال آب بر جان خود بترسد یا بترسد که به واسطه استعمال آن، مرض یا عیبی در او پیدا شود یا مرضش طول بکشد یا شدت کند یا به سختی معالجه شود، باید تیمم نماید. ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

۶۷۰ لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود، باید تیمم کند.

۶۷۱ کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد، باید تیمم نماید.

۶۷۲ اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر تیمم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است. و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

۶۷۳ کسی که می‌داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل او صحیح است.

### چهارم از موارد تیمم

۶۷۴ هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خود او یا عیال و اولاد او، یا رفیقش و کسانی که با او مربوطند مانند نوکر و کلفت از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد، باید به جای وضو و غسل، تیمم نماید. و نیز اگر بترسد حیوانی که مانند اسب و قاطر معمولاً برای خوردن سرش را نمی‌برند، از تشنگی تلف شود، باید آب را به آن بدهد و تیمم نماید، اگر چه حیوان مال خودش نباشد. و همچنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشنه باشد که اگر انسان آب را به او ندهد، تلف شود.

۶۷۵ اگر غیر از آب پاکی که برای وضو یا غسل دارد آب نجسی هم به مقدار آشامیدن خود و کسانی که با او مربوطند داشته باشد، باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و با تیمم نماز بخواند. ولی چنانچه آب را برای حیوانش بخواند، باید آب نجس را به آن بدهد و با آب پاک وضو و غسل را انجام دهد.

### پنجم از موارد تیمم

۶۷۶ کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی‌ماند، باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند. ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

### ششم از موارد تیمم

۶۷۷ اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد مثلاً آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن آب و ظرف دیگری ندارد، باید به جای وضو و غسل، تیمم کند.

### هفتم از موارد تیمم

۶۷۸ هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند.

۶۷۹ اگر عمداً نماز را به قدری تاخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد معصیت کرده، ولی نماز او با تیمم صحیح است. اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

۶۸۰ کسی که شک دارد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند وقت برای نماز او می‌ماند یا نه، باید تیمم کند.

۶۸۱ کسی که به واسطه تنگی وقت تیمم کرده، چنانچه بعد از نماز آبی که داشته از دستش برود، اگر چه تیمم خود را نشکسته باشد، در صورتی که وظیفه‌اش تیمم باشد، باید دوباره تیمم نماید.

۶۸۲ کسی که آب دارد اگر به واسطه تنگی وقت با تیمم مشغول نماز شود و در بین نماز آبی که داشته از دستش برود، برای نمازهای بعد می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند.

۶۸۳ اگر انسانی به قدری وقت دارد که می‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن به جا آورد. بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.

## وقت نماز صبح

۷۴۱ نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند، که آن را فجر اول گویند. موقعی که آن سفیده پهن شد، فجر دوم و اول وقت نماز صبح است. و آخر وقت نماز صبح، موقعی است که آفتاب بیرون می‌آید.

## وقت نماز ظهر و عصر

۷۲۹ اگر چوب یا چیزی مانند آن را راست در زمین هموار فرو برند، صبح که خورشید بیرون می‌آید، سایه آن به طرف مغرب می‌افتد. و هر چه آفتاب بالا می‌آید، این سایه کم می‌شود. و در شهرهای ما در اول ظهر شرعی به آخرین درجه کمی می‌رسد، و ظهر که گذشت، سایه آن به طرف مشرق برمی‌گردد. و هر چه خورشید رو به مغرب می‌رود، سایه زیادتر می‌شود. بنابر این وقتی سایه به آخرین درجه کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم می‌شود ظهر شرعی شده است. ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می‌رود، بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می‌شود ظهر شده است.

۷۳۰ چوب یا چیز دیگری را که برای معین کردن ظهر به زمین فرو می‌برند، شاخص گویند.

۷۳۱ نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد. و وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر وقت به مغرب مانده باشد، که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخواند، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند. و ما بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر است. و اگر کسی اشتباها نماز ظهر یا عصر را در وقت مخصوص دیگری بخواند، نمازش صحیح است.

۷۳۲ اگر پیش از خواندن نماز ظهر سهوا مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترک باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند. یعنی نیت کند که آنچه تا حال خوانده‌ام و آنچه را مشغولم و آنچه بعد می‌خوانم، همه نماز ظهر باشد. و بعد از آنکه نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند. و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عصر را بخواند و احتیاط آن است که دوباره نماز عصر را هم بعد از آن بخواند، و این احتیاط خیلی خوب است.

۷۳۳ در روز جمعه انسان می‌تواند به جای نماز ظهر، دو رکعت نماز جمعه بخواند. ولی احتیاط مستحب آن است که اگر نماز جمعه خواند، نماز ظهر را هم بخواند، و این احتیاط خیلی مطلوب است.

۷۳۴ احتیاط واجب آن است که نماز جمعه را از موقعی که عرفا اول ظهر می‌گویند، تاخیر نیندازد. و اگر از اوایل ظهر تاخیر افتاد، به جای نماز جمعه نماز ظهر بخواند.

## احکام قبله

۷۷۶ خانه کعبه که در مکه معظمه می‌باشد قبله است، و باید روبروی آن، نماز خواند. ولی کسی که دور است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است. و همچنین است کارهای دیگری که مانند سر بردن حیوانات باید رو به قبله انجام گیرد.

۷۷۷ کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند، باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده، و لازم نیست زانوهای او و نوک پای او هم رو به قبله باشد.

۷۷۸ کسی که باید نشسته نماز بخواند، اگر نمی‌تواند به طور معمول بنشیند و در موقع نشستن، کف پاها را به زمین می‌گذارد، باید در موقع نماز صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد، و لازم نیست ساق پای او رو به قبله باشد.

۷۷۹ کسی که نمی‌تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلوئی راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد. و اگر ممکن نیست، باید به پهلوئی چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد. و اگر این را هم نتواند، باید به پشت بخوابد، به طوری که کف پای او رو به قبله باشد.

۷۸۰ نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده را باید رو به قبله بجا آورد. و در سجده سهو هم احتیاط مستحب همین است.

۷۸۱ نماز مستحبی را می‌شود در حال راه رفتن و سواری خواند. و اگر انسان در این دو حال نماز مستحبی بخواند، لازم نیست رو به قبله باشد.

۷۸۲ کسی که می‌خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید تا یقین کند که قبله کدام طرف است. و می‌تواند به گفته دو شاهد عادل که از روی نشانه‌های حسی شهادت می‌دهند، یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می‌شناسد و محل اطمینان است، عمل کند. و اگر اینها ممکن نشد، باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راههای دیگر پیدا می‌شود، عمل نماید. حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که به واسطه قواعد علمی قبله را می‌شناسد گمان به قبله پیدا کند، کافی است.

۷۸۳ کسی که گمان به قبله دارد، اگر بتواند گمان قویتری پیدا کند، نمی‌تواند به گمان خود عمل نماید. مثلاً اگر میهمان از گفته صاحبخانه گمان به قبله پیدا کند، ولی بتواند از راه دیگر گمان قویتری پیدا کند، نباید به حرف او عمل نماید.

۷۸۴ اگر برای پیدا کردن قبله وسیله‌ای ندارد، یا با اینکه کوشش کرده گمانش به طرفی نمی‌رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید چهار نماز به چهار طرف بخواند. و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد، باید به اندازه‌ای که وقت دارد نماز بخواند. مثلاً اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد، باید یک نماز به هر طرفی که می‌خواهد بخواند. و باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده، یا اگر از قبله کج بوده، به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است.

۷۸۵ اگر یقین یا گمان کند که قبله در یکی از دو طرف است، باید به هر دو طرف نماز بخواند. ولی احتیاط مستحب آن است که در صورت گمان، به چهار طرف نماز بخواند.

۷۸۶ کسی که باید به چند طرف نماز بخواند، اگر بخواهد نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را بخواند، بهتر آن است که نماز اول را به هر چند طرف که واجب است بخواند، بعد نماز دوم را شروع کند.

۷۸۷ کسی که یقین به قبله ندارد، اگر بخواهد غیر از نماز کاری کند که باید رو به قبله انجام داد، مثلاً بخواهد سر حیوانی را ببرد، باید به گمان عمل نماید. و اگر گمان ممکن نیست، به هر طرف که انجام دهد، صحیح است.

## لباس نمازگزار

۷۹۸ لباس نمازگزار شش شرط دارد: اول: آنکه پاک باشد. دوم: آنکه مباح باشد. سوم: آنکه از اجزای مردار نباشد. چهارم: آنکه از حیوان حرام گوشت نباشد. پنجم و ششم: آنکه اگر نمازگزار مرد است، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد. و تفصیل اینها در مسایل آینده گفته می‌شود.

## شرط اول

۷۹۹ لباس نمازگزار باید پاک باشد. و اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

۸۰۰ کسی که نمی‌داند با بدن و لباس نجس نماز باطل است و مقصر در ندانستن حکم مساله باشد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل می‌باشد.



۸۰۱ اگر به واسطه تقصیر در ندانستن مساله، چیز نجسی را نداند نجس است، مثلا نداند عرق شتر نجاستخوار نجس است و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است.

۸۰۲ اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است. ولی احتیاطا مستحب آن است که اگر وقت دارد دوباره آن نماز را بخواند.

۸۰۳ اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند، و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۸۰۴ کسی که در وسعت وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز بدن یا لباس او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند، ملتفت شود که نجس شده یا بفهمد بدن یا لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس یا بیرون آوردن آن، نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض نماید یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده لباس را بیرون آورد. ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض کند یا بیرون آورد نماز به هم می‌خورد و اگر لباس را بیرون آورد برهنه می‌ماند، باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

۸۰۵ کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با نجاست بخواند بفهمد که نجس شده یا بفهمد که لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن یا عوض کردن یا بیرون آوردن لباس، نماز را به هم نمی‌زند و می‌تواند لباس را بیرون آورد، باید لباس را آب بکشد یا عوض کند یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده، لباس را بیرون آورد و نماز را تمام کند. اما اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده و لباس را هم نمی‌تواند آب بکشد یا عوض کند، باید لباس را بیرون آورد و به دستوری که برای برهنگان گفته شد، نماز را تمام کند. ولی چنانچه طوری است که اگر لباس را آب بکشد یا عوض کند، نماز به هم می‌خورد و به واسطه سرما و مانند آن نمی‌تواند لباس را بیرون آورد، باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است.

۸۰۶ کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز بدن او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند، ملتفت شود که نجس شده یا بفهمد بدن او نجس است، و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن نماز را به هم نمی‌زند، باید آب بکشد. و اگر نماز را به هم می‌زند، باید با همان حال نماز را تمام کند و نماز او صحیح است.

۸۰۷ کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد، چنانچه نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده، نماز او صحیح است.

۸۰۸ اگر لباس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده، نمازش صحیح است.

۸۰۹ اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خونهای نجس نیست، مثلا یقین کند که خون پشه است، چنانچه بعد از نماز بفهمد از خونهایی بوده که نمی‌شود با آن نماز خواند، نماز او صحیح است.

۸۱۰ هرگاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست، خون نجسی است که نماز با آن صحیح است، مثلا یقین کند خون زخم و دمل است، اگر چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است، نمازش صحیح است.

۸۱۱ اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است. ولی اگر بدنش با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و بدون اینکه خود را آب بکشد غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است. و نیز اگر جایی از اعضای وضو با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و پیش از آنکه آن جا را آب بکشد وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش باطل می‌باشد.

۸۱۲ کسی که یک لباس دارد، اگر بدن و لباسش نجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آنها آب داشته باشد، چنانچه بتواند لباسش را بیرون آورد، باید بدن را آب بکشد و نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد. و اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نتواند لباس را بیرون آورد، در صورتی که نجاست هر دو مساوی باشد، مثلاً هر دو بول یا خون باشد، یا نجاست بدن شدیدتر باشد، مثلاً نجاستش بول باشد که باید دو مرتبه آن را آب کشید، احتیاط واجب آن است که بدن را آب بکشد. و اگر نجاست لباس بیشتر یا شدیدتر باشد، هر کدام از بدن یا لباس را بخواهد، می‌تواند آب بکشد.

۸۱۳ کسی که غیر از لباس نجس لباس دیگری ندارد و وقت تنگ است یا احتمال نمی‌دهد که لباس پاک پیدا کند، اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نمی‌تواند لباس را بیرون بیاورد، باید در همان لباس نماز بخواند و نمازش صحیح است. ولی چنانچه بتواند لباس را بیرون بیاورد، باید نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورد.

۸۱۴ کسی که دو لباس دارد، اگر بداند یکی از آنها نجس است و دارد باید با هر دو لباس نماز بخواند. مثلاً اگر می‌خواهد نماز ظهر و عصر بخواند، باید با هر کدام یک نماز ظهر و یک نماز عصر بخواند. ولی اگر وقت تنگ است، باید نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد، بجا آورد. و به احتیاط واجب آن نماز را بالباس پاک قضا نماید.

## شرط دوم

۸۱۵ لباس نمازگزار باید مباح باشد. و کسی که می‌داند پوشیدن لباس غضبی حرام است، اگر عمداً در لباس غضبی یا در لباسی که نخ یا دگمه یا چیز دیگر آن غضبی است نماز بخواند، باید آن نماز را با لباس غیر غضبی اعاده نماید.

۸۱۶ کسی که می‌داند پوشیدن لباس غضبی حرام است ولی نمی‌داند نماز را باطل می‌کند، اگر عمداً با لباس غضبی نماز بخواند، باید آن نماز را با لباس غیر غضبی بخواند.

۸۱۷ اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبی است و با آن، نماز بخواند، نمازش صحیح است. ولی اگر خودش آن لباس را غضب کرده باشد و بعداً فراموش کرده و با آن نماز خوانده، به احتیاط واجب باید آن نماز را اعاده کند.

۸۱۸ اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبی است و در بین نماز بفهمد، چنانچه چیز دیگری عورت او را پوشانده است و می‌تواند فوراً یا بدون اینکه موالات یعنی پی در پی بودن نماز بهم بخورد لباس غضبی را بیرون آورد، باید آن را بیرون آورد و نمازش صحیح است. و اگر چیز دیگری عورت او را نپوشانده یا نمی‌تواند لباس غضبی را فوراً بیرون آورد یا اگر بیرون آورد پی در پی بودن نماز به هم می‌خورد، در صورتی که به تعداد یک رکعت هم وقت داشته باشد، باید نماز را بشکند و با لباس غیر غضبی نماز بخواند. و اگر به این مقدار وقت ندارد، باید در حال نماز لباس را بیرون آورد و به دستور نماز برهنگان، نماز را تمام نماید.

۸۱۹ اگر کسی برای حفظ جاننش با لباس غضبی نماز بخواند، یا مثلاً برای اینکه دزد لباس غضبی را نبرد با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

۸۲۰ اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است. و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.

## شرط سوم

۸۲۱ لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند، خون از آن جستن می‌کند، نباشد. بلکه اگر از حیوان مرده‌ای که مانند ماهی، خون جهنده ندارد لباس تهیه کند، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.

۸۲۲ باید چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته، بنابر احتیاط واجب همراه نمازگزار نباشد، گرچه لباس او هم نباشد.

۸۲۳ اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد همراه نمازگزار باشد یا با لباسی که از آنها تهیه کرده‌اند نماز بخواند، نمازش صحیح است.

### شرط چهارم

- ۸۲۴ لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد. و اگر مویی از آن هم همراه نمازگزار باشد نماز او باطل است.
- ۸۲۵ اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بردن یا لباس نمازگزار باشد، چنانچه تر باشد، نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد، نماز صحیح است.
- ۸۲۶ اگر مو و عرق و آب دهان کسی بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، اشکال ندارد. و همچنین است اگر مروارید و موم و عسل همراه او باشد.
- ۸۲۷ اگر شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، چه در داخله تهیه شده باشد چه در خارجه، نماز با آن خواندن مانعی ندارد.
- ۸۲۸ اگر انسان احتمال دهد تکمه صدفی و مانند آن از حیوان است، نماز خواندن با آن مانعی ندارد. و اگر بداند صدف است و احتمال بدهد صدف گوشت نداشته باشد، نماز خواندن با آن مانع ندارد.
- ۸۲۹ با پوست سنجاب و خز نماز خواندن اشکال ندارد.
- ۸۳۰ اگر با لباسی که نمی‌داند که از حیوان حرام گوشت است نماز بخواند، نمازش صحیح است. ولی اگر فراموش کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید آن نماز را دوباره بخواند.

### شرط پنجم

- ۸۳۱ پوشیدن لباس طلا باف برای مرد حرام و نماز با آن باطل است. ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.
- ۸۳۲ زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند. ولی زینت کردن به طلا برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.
- ۸۳۳ اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتری یا لباسش از طلا است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.
- ۸۳۴ لباس مرد نمازگزار باید ابریشم خالص نباشد و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است. و در چیزی که نماز در آن تمام نمی‌شود، مانند بند شلوار و عرقچین نیز به احتیاط واجب نباید از حریر خالص باشد.
- ۸۳۵ اگر آستر تمام لباس یا آستر مقداری از آن ابریشم خالص باشد، پوشیدن آن برای مرد حرام و نماز در آن باطل است.
- ۸۳۶ لباسی را که نمی‌داند از ابریشم خالص است یا چیز دیگر، پوشیدن آن اشکال ندارد، و نماز با آن صحیح است.
- ۸۳۷ دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد، اشکال ندارد، و نماز را باطل نمی‌کند.
- ۸۳۸ پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.
- ۸۳۹ پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلا باف و لباسی که از مردار تهیه شده، در حال ناچاری مانعی ندارد. و نیز کسی که ناچار است لباس بپوشد و لباس دیگری غیر از اینها ندارد و تا آخر وقت هم، ناچاری او از بین نمی‌رود، می‌تواند با این لباسها نماز بخواند.

۸۴۰ اگر غیر از لباس غضبی و لباسی که از مردار تهیه شده لباس دیگری ندارد و ناچار نیست لباس بپوشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

۸۴۱ اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت تهیه شده لباس دیگری ندارد چنانچه در پوشیدن لباس ناچار باشد می‌تواند با همان لباس نماز بخواند و اگر ناچار نباشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را بجا آورد، و بنابر احتیاط واجب یک نماز دیگر هم با همان لباس بخواند.

۸۴۲ اگر مرد غیر از لباس ابریشمی خالص یا طلا باف لباس دیگری نداشته باشد چنانچه در پوشیدن لباس ناچار نباشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

۸۴۳ اگر چیزی ندارد که در نماز عورت خود را با آن بپوشاند، واجب است اگرچه به کرایه یا خریداری باشد تهیه نماید. ولی اگر تهیه آن به قدری پول لازم دارد که نسبت به دارایی او زیاد است، یا طوری است که اگر پول را به مصرف لباس برساند به حال او ضرر دارد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد، نماز بخواند.

۸۴۴ کسی که لباس ندارد، اگر دیگری لباس به او ببخشد یا عاریه دهد، چنانچه قبول کردن آن برای او مشقت نداشته باشد، باید قبول کند. بلکه اگر عاریه کردن یا طلب بخشش برای او سخت نیست، باید از کسی که لباس دارد طلب بخشش یا عاریه نماید.

۸۴۵ بنابر احتیاط واجب باید انسان از پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می‌خواهد آن را بپوشاند معمول نیست، خودداری کند. ولی اگر با آن لباس نماز بخواند، اشکال ندارد.

۸۴۶ احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه، و زن لباس مردانه نپوشد. ولی اگر با آن نماز بخواند، اشکال ندارد.

۸۴۷ کسی که باید خوابیده نماز بخواند، اگر برهنه باشد و لحاف یا تشک او نجس یا ابریشم خالص یا از اجزای حیوان حرام گوشت باشد، احتیاط واجب آن است که در نماز، خود را با آنها نپوشاند.

## نیت

۹۴۳ انسان باید نماز را به نیت قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا مثلاً به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم قربه الی الله.

۹۴۴ اگر در نماز ظهر یا در نماز عصر نیت کند که چهار رکعت نماز می‌خوانم و معین نکند ظهر است یا عصر، نماز او باطل است. و نیز کسی که مثلاً قضای نماز ظهر بر او واجب است، اگر در وقت نماز ظهر بخواند آن نماز قضا یا نماز ظهر را بخواند، باید نمازی را که می‌خواند در نیت معین کند.

۹۴۵ انسان باید از اول تا آخر نماز به نیت خود باقی باشد. پس اگر در بین نماز به طوری غافل شود که اگر بپرسند چه می‌کنی نداند چه بگوید، نمازش باطل است.

۹۴۶ انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند. پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است، خواه فقط برای مردم باشد، یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد.

۹۴۷ اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا بجا آورد نماز باطل است، چه آن قسمت واجب باشد مثل حمد و سوره، چه مستحب باشد مانند قنوت. بلکه اگر تمام نماز را برای خدا بجا آورد ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوصی مثل مسجد، یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت، یا به طرز مخصوصی مثلاً با جماعت بخاند، نمازش باطل است.

## تکبیرة الاحرام

۹۴۸ گفتن "الله اکبر" در اول هر نماز، واجب و رکن است و باید حروف "الله" و حروف "اکبر" و دو کلمه "الله" و "اکبر" را پشت سر هم بگوید. و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود، و اگر به عربی غلط بگوید یا مثلاً ترجمه آن را به فارسی بگوید صحیح نیست.

۹۴۹ احتیاط واجب آن است که تکبیر الاحرام نماز را به چیزی که پیش از آن می خواند مثلاً به اقامه یا به دعایی که پیش از تکبیر می خواند، نچسباند.

۹۵۰ اگر انسان بخواهد "الله اکبر" را به چیزی که بعد از آن می خواند مثلاً به "بسم الله الرحمن الرحيم" بچسباند، باید ر اکبر را پیش بدهد.

۹۵۱ موقع گفتن تکبیر الاحرام باید بدن آرام باشد، و اگر عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد تکبیر الاحرام را بگوید، باطل است. و چنانچه سهواً حرکت کند، بنابر احتیاط واجب باید اول عملی که نماز را باطل می کند انجام دهد و دوباره تکبیر بگوید.

۹۵۲ تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود. و اگر به واسطه سنگینی یا کوری گوش یا سر و صدای زیاد نمی شنود، باید طوری بگوید که اگر مانعی نباشد بشنود.

۹۵۳ کسی که لال است یا زبان او مرضی دارد که نمی تواند "الله اکبر" را درست بگوید، باید به هر طور که می تواند بگوید. و اگر هیچ نمی تواند بگوید، باید در قلب خود بگذارند و برای تکبیر اشاره کند، و زبانش را هم اگر می تواند حرکت دهد.

۹۵۴ مستحب است بعد از تکبیر الاحرام بگوید: "یا محسن قد اتاک المسیء و قد امرت المحسن ان یتجاوز عن المسیء انت المحسن و انا المسیء بحق محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و تجاوز عن قبیح ما تعلم منی"، یعنی ای خدایی که به بندگان احسان می کنی، بنده گنهکار به در خانه تو آمده و تو امر کرده ای که نیکوکار از گنهکار بگذرد، تو نیکوکاری و من گناهکار، به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرست و از بدیهایی که می دانی از من سر زده بگذر.

۹۵۵ مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.

۹۵۶ اگر شک کند که تکبیر الاحرام را گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده به شک خود اعتنا نکند. و اگر چیزی نخوانده، باید تکبیر را بگوید.

۹۵۷ اگر بعد از گفتن تکبیر الاحرام شک کند که آن را صحیح گفته یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند.

### قیام (ایستادن)

۹۵۸ قیام در موقع گفتن تکبیر الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می گویند رکن است. ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع، رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است.

۹۵۹ واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که در حال ایستادن تکبیر گفته است.

۹۶۰ اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود. و اگر بدون این که بایستد به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را بجا نیاورده، نماز او باطل است.

۹۶۱ موقعی که ایستاده است باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی خم نشود و به جایی تکیه نکند. ولی اگر از روی ناچاری باشد، یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد، اشکال ندارد.

- ۹۶۲ اگر موقعی که ایستاده از روی فراموشی بدن را حرکت دهد یا به طرفی خم شود یا به جایی تکیه کند اشکال ندارد. ولی در قیام موقع گفتن تکبیر۱ الاحرام و قیام متصل به رکوع اگر از روی فراموشی هم باشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند.
- ۹۶۳ باید در موقع ایستادن هر دو پا روی زمین باشد. ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد، و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.
- ۹۶۴ کسی که می‌تواند درست بایستد، اگر پاها را خیلی گشاد بگذارد که به حال ایستادن معمولی نباشد، نمازش باطل است.
- ۹۶۵ موقعی که انسان در نماز می‌خواهد کمی جلو یا عقب رود یا کمی بدن را به طرف است یا چپ حرکت دهد، باید چیزی نگوید، ولی "بحول الله و قوته اقوم و اقعده" را باید در حال برخاستن بگوید، و در موقع گفتن ذکرهای واجب هم بدن باید بی‌حرکت باشد. بلکه احتیاط واجب آن است که در موقع گفتن ذکرهای مستحبی نماز، باید بدنش آرام باشد.
- ۹۶۶ اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید، مثلاً موقع رفتن به رکوع یا رفتن به سجده تکبیر بگوید، چنانچه آن را به قصد ذکر که در نماز دستور داده‌اند بگوید، باید احتیاطاً نماز را دوباره بخواند. و اگر به این قصد نگوید بلکه بخواد ذکر گفته باشد، نماز صحیح است.
- ۹۶۷ حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که آنها را هم حرکت ندهد.
- ۹۶۸ اگر موقع خواندن حمد و سوره یا خواندن تسبیحات بی‌اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود، احتیاط واجب آن است که بعد از آرام گرفتن بدن، آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.
- ۹۶۹ اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود باید بنشیند، و اگر از نشستن هم عاجز شود باید بخوابد، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند.
- ۹۷۰ تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند. مثلاً کسی که در موقع ایستادن بدنش حرکت می‌کند یا مجبور است به چیزی تکیه دهد یا بدنش را کج کند یا خم شود یا پاها را بیشتر از معمول گشاد بگذارد، باید به هر طور که می‌تواند ایستاده نماز بخواند. ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.
- ۹۷۱ تا انسان می‌تواند بنشیند، نباید خوابیده نماز بخواند. و اگر نتواند راست بنشیند باید هر طور که می‌تواند بنشیند، و اگر به هیچ قسم نمی‌تواند بنشیند باید به طوری که در احکام قبله گفته شد به پهلو راست بخوابد، و اگر نمی‌تواند به پهلو چپ، و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.
- ۹۷۲ کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده بجا آورد، باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود. و اگر نتواند، باید رکوع را هم نشسته بجا آورد.
- ۹۷۳ کسی که خوابیده نماز می‌خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند، باید مقداری را که می‌تواند نشسته بخواند. و نیز اگر می‌تواند بایستد، باید مقداری را که می‌تواند ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند.
- ۹۷۴ کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر در بین نماز بتواند بایستد باید مقداری را که می‌تواند ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند.
- ۹۷۵ کسی که می‌تواند بایستد، اگر بترسد که به واسطه ایستادن مریض شود یا ضرری به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند. و اگر از نشستن هم بترسد، می‌تواند خوابیده نماز بخواند.

۹۷۶ اگر انسان احتمال بدهد که تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند، می‌تواند اول وقت نماز بخواند، اگر چه احتیاط آن است که نماز را تاخیر بیندازد.

۹۷۷ مستحب است در حال ایستادن بدن را راست نگهدارد، شانه‌ها را پایین بیندازد، دستها را روی رانها بگذارد، انگشتها را به هم بچسباند، جای سجده را نگاه کند، سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد، با خضوع و خشوع باشد، پاها را پس و پیش نگذارد، اگر مرد است پاها را از سه انگشت باز تا یک وجب فاصله دهد، و اگر زن است پاها را به هم بچسباند.